



جامع التواریخ: ۵۷۱۴، ق.

مینیاتور ایران، میراث گرانقدر و پرازش ملتی است، که در عرصه هنر نگارگری پریشینه و بارش، در برخورد با این شیوه نگارگری که نخست ره آورد هنری قومی بیگانه است، آنچنان تأثیر پذیری مثبت و پرباری را می پذیرد و چندان خوش می درخشد و خود به ثمر می نشیند، که شگفتا از پس مدت زمانی نه چندان دراز نه تنها نشان و یا نشانه هائی از تقلید و پیروی از اصول مینیاتور چین نمی ماند، بلکه این شیوه از هنر نگارگری در ایران، به همت ذوق و خلاقیت و رواتر، غیرت هنرمندان نگارگر بزرگوار و با ایمان این ملک، به عنوان هنری مستقل و مروج مبانی فرهنگ و اندیشه ایرانی، در راه ثبت و جاودانگی ارزش های ادبیات منظوم و منثور این دیار، نقشی به سزا ماندنی ایفا می نماید.

هنرهای تجسسی

مروری در مکاتب مینیاتور ایران (۱)

مکتب تبریز

در جمال تو چنان

صورت چین حیران

شد...

محمد هادی

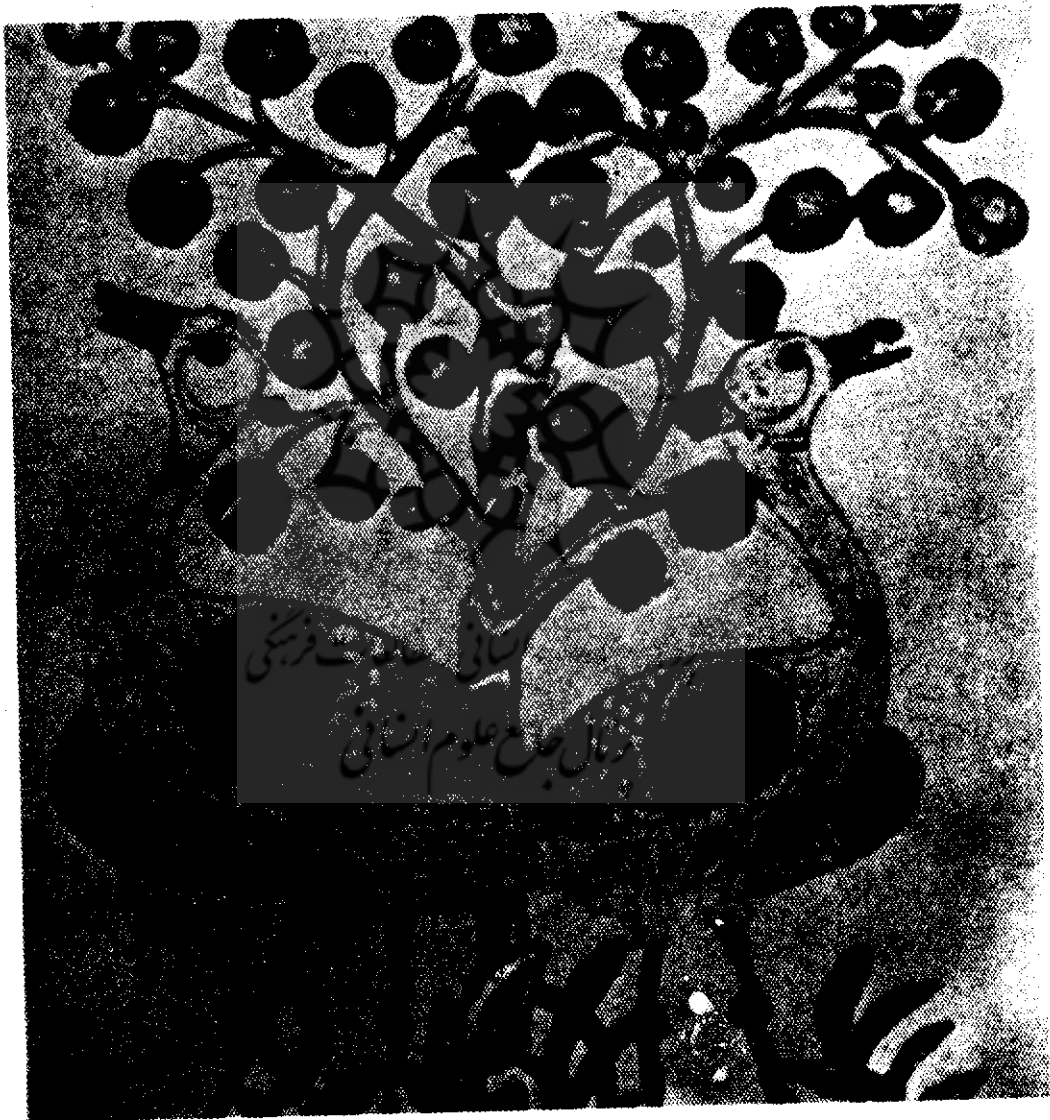


جامع التواریخ: ۵۷۱۴، ق.

ارزش‌های فرهنگی و هنری ایران به دلیل چیرگی و سلطه فرهنگ و هنر آورد قوم فاتح و غالب مغول. قومی که با یورش بی‌امان و کشتار وحشیانه‌اش، گذشته از تسخیر سرزمین ایران، بیم از میان بردن و به دیگر عبارت، به خاک سپردن پشته‌های غنی هنر و فرهنگ ایران را در دل هنرمندان باغیرت این سرزمین هشدار داد.

میناتور ایران، گذشته از دنیای خیال برانگیز و سراسر رؤیا و وسوسه‌اش، سوی جادوی هزاررنگ و پرجذبه و کشش، جدا از روح عرفانی نهفته در جای جای نقش و نگارهای ماهرانه و زیبایش، در مقام مقایسه با سایر رشته‌های هنر ایران، هنری است برخاسته و برتافته از اخلاص و اعتقاد هنرمندان نقاش ایرانی در درک ضرورت مقاومت و ایستادگی در دوران فروپاشی

منافع الحيوان: ۶۴۸ هـ. ق.



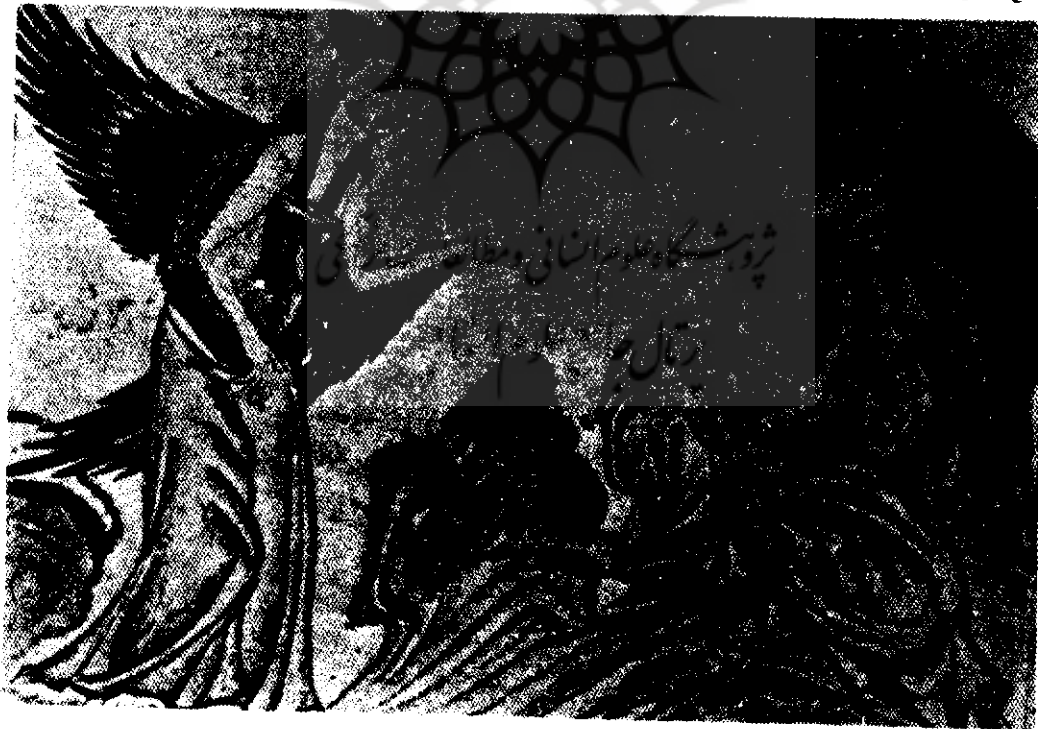
در چنین شرایط حساس و سرنوشت سازی است که نگارگران با کرامت و همت ایرانی، چونان جنگجویانی صاحب قدرت و تجربه، پا به میدان رزمی جاودانه می‌نهند، نخست دستاورد هنری قوم فاتح را با هوشمندی مورد اقبال قرار می‌دهند، و با صبوری تمام، تحت پوشش ظاهری این انقیاد و تسلیم هنری، با سلاح ذوق و ایمان و خلاقیت خویش زمانی بعد، به جبران همه ناکامی‌ها و تلخی‌ها و به دیگر تعبیر، شکست و تسلیم می‌نشینند و حیرت برانگیزتر آنکه با مدد از چنین جنبش و حرکتی است، که به جای تقلید و تسلیم، آغازگران گشایش فصل نوینی از تحول نگارگری ایران می‌گردند و سهمی به سزا در باروری هنر و فرهنگ ایران را از آن خود می‌سازند.

تردیدی نیست که فاتحان زردپوست مغول، بر خلاف انتظار به تبعیت از حضور هنرمندانه و سراسر ذوق هنرمندان و متفکران ایرانی، از پس مدت زمانی، مقدم

جامع التاریخ: ۵۷۱۴. ق.

هنرمندان و اندیشمندان ایرانی را گرامی داشتند و خود از حامیان جدی و مؤثر نشر و گسترش فرهنگ و هنر ایرانی گردیدند. آنان با تشویق و ترغیب هنرمندان و عالمان ایرانی در رشته‌های گوناگون هنر و فرهنگ، به ویژه در زمینه هنرهای تجسمی همانند نگارگری و خط و نیز معماری، چه بسیار که آثار و خاطره‌های شوم دست‌اندازی‌ها و کشتارهای خود را زدودند و تا حدودی به جبران مافات نشستند.

نگارگران خسته و مجروح و درمانده در اوآن حمله مغول‌ها به ایران و تسخیر سرزمین اجدادی‌شان، در زمینه نگارگری وارث تجربه‌های سودمندی در زمینه‌های گوناگون هنرهای تجسمی و تزئینی همانند خط و سفالگری و معماری هستند. ظهور و تولد نوابغ هنر خوشنویسی تا اواخر عصر سلجوقی، و تحولات چشمگیر تذهیب و کتابت قرآن مجید و سایر کتب نظم و نثر و مهم‌تر، خلق نقاشی‌هایی بر دیوار، همراه با آشکاری





دیوان خواجوی کرمانی ۸۷۹۹ ق.



جامع التواریخ: ۸۷۱۴. ۳.

مبانی هنر و دانش ایران را بردوش خود احساس می‌کند، زمینه‌های ایجاد مرکزی علمی، فرهنگی، هنری را در نزدیکی تبریز مهیا می‌سازد. با برپایی این مجتمع عمده هنر و فرهنگ در تبریز، بسیاری از هنرمندان و عالمان و پژوهشگران جذب این دانشگاه عظیم می‌گردند. دیر زمانی نمی‌گذرد که آوازه «ربیع رشیدی» به چهار گوشه جهان آن روزگار می‌رسد. شهر تبریز سوای پایگاه علم و فرهنگ گردیدن، خاستگاه تولد مکتبی در زمینه نگارگری (مینیاتور) می‌گردد که تا سده‌های بعد با توجه به آثار پرارزش و چشمگیری که در پرتو تحولات این مکتب خلق می‌گردد، بسیاری از هنرمندان ایران و جهان را به سوی این شیوه جذب کرده و رهنمون خلاقیت‌های بی‌شمار می‌گردد.

نظر به تمایل و گرایش و وابستگی سنتی و قومی ایلخانان مغول با فرهنگ و سنت و هنر چین، و ارتباط تنگاتنگ سنتی مغول‌ها و چینی‌ها، و با شروع برقراری رفت و آمدهای مکرر صنعتگران و هنرمندان چین به دربار ایلخانان، مقدمات نگرش موثر و کسب تجربه‌های مفید هنر چین، به ویژه نقاشی چشم‌نواز و زیبای مینیاتور چینی نزد هنرمندان و دوستان هنر در ایران ایجاد می‌گردد. هر چند که آشنائی و تماس با فرهنگ و هنر چین مربوط به دورانی بسیار کهن‌تر از سلطه مغول‌ها بر

صور انسانی و حیوانی و رواج کاشی‌های منقش با اشکال هندسی و نباتی در تزئین بناها، زمینه‌های تجربه و خلاقیت و ابتکار هر چه بیشتر را در تحول هنر ایران ایجاد کرده است. با این همه، حمله مغول‌ها به ایران، همراه با ویرانی شهرهای پرجمعیت و آبادی همانند، مرو، نیشابور، ری و کاشان، که اغلب مراکز عمده تجمع هنرمندان و صنعتگران این دوران است، ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر در رکود و ایستایی هنر و فرهنگ و به ویژه کتابت و نگارگری را سبب می‌گردد.

دیرزمانی نمی‌گذرد که هنرمندان آواره و تن به هجرت سپرده از گوشه و کنار شهرهای ایران به مقر حکومتی سلاطین ایلخانی مغول، همانند مراغه، تبریز، و سلطانیه و بغداد جلب و جذب می‌شوند و بار دیگر به دلیل حمایت بی‌دریغ غازان، خان شیفته دل هنر و فرهنگ و اندیشه ایرانی، مقدمات تولد دوباره و رشد و تعالی هنر و فرهنگ پرمایه ایران در بیشتر زمینه‌های فرهنگی و هنری، به ویژه خط و نقاشی و معماری مهیا می‌گردد.

غازان خان که به سال ۶۹۴ هجری فرمانروای مطلق ایران می‌گردد، با توجه به ترغیب و تشویق و رهنمودهای وزیر عالِم و دانشمند و هنردوست ایرانی خود، رشیدالدین فضل‌الله، که بار تمهد سنگین احیا و حفظ



پیشگاه علوم انسانی
تالی جامع علم



که چه به حق باید اذعان کرد، که پیشتر از آنکه هنر آفرینی کرده باشند، جنگیده‌اند و رزمیده‌اند، رزم بی‌امانی که سر آخر، سران خیره‌سر و خونخوار مغول را به اطاعت و تسلیم واداشته و سبب می‌گردد که فرهنگ و هنر ایرانی، در برابریکی از پر پشتوانه‌ترین و کهن‌ترین بنیان هنر و فرهنگ جهانی یعنی «چین» خودنمایی کرده و به رقابت بپردازد.

نخستین نشانه‌های این برخورد هنری را شاید که بتوان در تولد نقاشی‌های کتاب «منافع الحیوان» این‌بختیشوع دانست. این کتاب که در طی سالهای ۶۹۹-۶۹۷ هجری به فرمان غازان‌خان کتابت و نقاشی می‌گردد، آشکارا حال و روزگار پریشان و درمقابل، عزم جزم نقاشان با ذوق و خلاق ایرانی در پرهیز از تسلیم مبنای حاکم هنر زمان را نمایان می‌سازد.

جمعی بی‌اعتنا به خواست هنر حاکم بر دوران، به پیاده کردن شیوه و الگوی نقاشی سلجوقی پرداخته‌اند، جمعیتی بی‌مناک از سرنوشت خود و یا چشم طمع دوخته

ایران می‌گردد و رابطه فرهنگی و هنری چینی‌ها و ایرانی‌ها، در طول تاریخ به گونه‌ای مستمر ادامه داشته است، اما از یاد نباید برد که تأثیرات متقابل فرهنگ و هنر دوسرزمین، در حد نگرش‌هایی محدود و مسدود بوده است و تنها، در دوران حکومت مغول‌های فاتح است که هنرمندان ایرانی به تبعیت از خواست حاکمان زمان، ناگزیر در راستای سلیقه و گرایش آنان مطالعه و نگاه جدی‌تری را در رشته‌ها و ابعاد هنر چینی آغاز می‌کنند، و آهسته و آرام، نشانه‌هایی از هنر چین را در نقش و نگارهای خود آشکار می‌سازند. حرکتی که یا می‌بایست به تقلیدی محض و تسلیمی بی‌چون و چرا بیانجامد و یا آگاهانه، زمینه یک تحول اساسی را در تعالی هنر و فرهنگ پرقدمت و پشتوانه ایرانی مهیا سازد.

هم در این دوران برزخی و حساس است که هنرمندان ایرانی، پیشتازان پاسداری از میانی اصیل فرهنگ و به ویژه هنر ایرانی می‌گردند. آنان، آنچنان ظریف و هوشمندانه دست به خلاقیت و ابتکار می‌زنند



دیوان خواجوی کرمانی : ۷۹۹ هـ. ق.

به احسان مغول‌ها! نقاشی چینی را الگو قرار داده‌اند و گروهی نیز با پذیرش نشانه‌هایی از تجربه مینیاتور چین و رعایت شیوه نقاشی ایرانی، با آگاهی و ظرافت تمام، هر دو شیوه را در هم ادغام کرده و سعی و تلاش در نوعی پیوند منطقی دارند. سخنی در این مقال اگر رانده می‌شود، در حقیقت بر محور این نگرش و همگونی و ارتباط تازه می‌چرخد.

در منافع حیوان آنچه بیش از همه چشم را می‌نوازد، مهارت و دقت تمام نگارگران ایرانی در ترسیم اندام حیوانات و ظرافت بخشیدن به اندام‌ها و پرهیز از غیرواقعی نشان دادن نقش این حیوانات است، حرکتی که بی‌تردید مایه از مهارت و نگاه هنر چینی به این شیوه از کشیدن اندام حیوانی به ویژه در ظرافت بخشیدن به دست و پاهای حیوانات می‌گیرد.

هنرمندان ایرانی اما، در این میان گناه با پر کردن زمینه‌های خالی نقاشی‌ها با استفاده از گل و گیاه، و تزئین ماهرانه گوشه و کنار و بی‌اعتنایی به نقش ابرها و کوه‌ها، راه خود را از تقلید و تسلیم مینیاتور چینی جدا کرده‌اند، حرکتی که گرچه به ظاهر چندان قابل اعتنا و آشکار نیست، اما در مقابله شناخت و مطالعه حساسیت مقاومت هنری این هنرمندان، سزاوار تحسین می‌نماید.

از دیگر سوی، نگارگران عارف و مخلص ایران، بی‌اعتنا به واقعیت شوم سلطه و چیرگی قوم فاتح، در پاره‌ای از نقاشی‌ها، اندیشه‌های عرفانی و پرمق خود را در تجسم دنیای صلح و صفا و یکرنگی و نمایش تسلیم زورمندان در برابر ضعیفان را با نقاشی حیوانات درنده جنگ و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز پرندگان و چرندگان کنار آنان به کرات نشان داده‌اند. تبلیغ دنیائی خالی از کینه و سلطه و زور و شاید هم مرهم نهادنی بر همه آلام و زخم‌های قوم مصیبت‌زده و سختی کشیده ایرانی که ناگزیر به تحمل فاتحینی خونخوار چونان مغولان گردیده است.

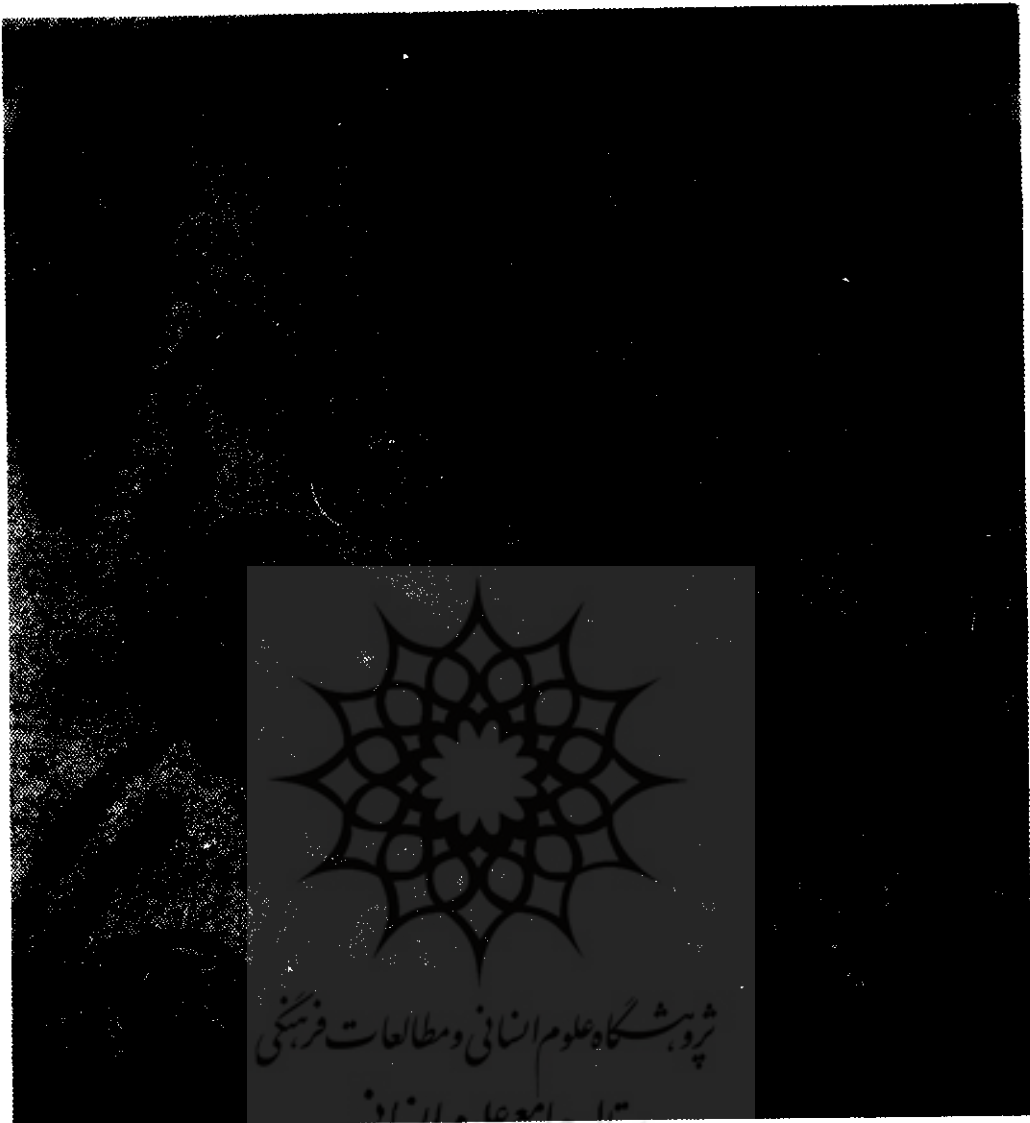
از نقاشی کتاب منافع حیوان که بگذریم، کتابت

و نقاشی نسخی از جامع التواریخ که در مجموع به مرور و بررسی تاریخ جهان پرداخته و قسمت عمده‌ای از آن نیز در باره تاریخ مغول‌هاست به فرمان رشیدالدین فضل‌الله در مجتمع علمی و هنری و فرهنگی ربع رشیدی، میدان گسترده‌ای دریافتن تجارب تازه و آشکار ساختن تأثیرات دگر بار نقاشی چین در نگارگری ایران ایجاد می‌کند. هم در پاره‌ای از نقاشی‌های نسخ موجود جوامع التواریخ است که برخورد و مبارزه پنهان و آگاه آشکار دو شیوه قدرتمند نقاشی چین و ایران قابل مطالعه و بررسی می‌شود. نگارگران ایرانی از یک سوی با امانتداری حالات چشم‌ها و صورت‌ها به گونه چینی‌ها و مغولان، موافقت خود را با عوامل نفوذ به ظاهر نقاشی مینیاتور چین آشکار می‌سازند و از دگرسوی با چشم‌پوشی از منطق‌های اصلی نقاشی چین همانند پرهیز از اسرارآمیز بودن طبیعت مینیاتور چینی، روی از مبانی این نقاشی بر می‌گردانند.

نگارگران ایرانی می‌کوشند تا مگر با ترسیم خطوطی اثبات و محدود دنیای نقش و نقوش را مسدود سازند و به دیگر تعبیر از خیال و اندیشه‌های غریبه با نقاشی ایرانی بگریزند و با صبوری و متانت تمام، حضور اندیشه و ذوق مستقل خود را در برابر جاری شدن سیل بی‌امان تقلید از مینیاتور چینی به اثبات رسانند.

در نقاشی‌های گوناگون نسخ مختلف جامع التواریخ، اما، هرگز نمی‌توان به منطقی دلخواه و عواملی آشکار در این مقاومت هنری دست یافت، در پاره‌ای از نقاشی‌ها گاه تقلیدها و تأثیرات آنچنان آشکار و غیرقابل انکار می‌نمایند که می‌توان حدس زد، بعضی از نقاشی‌ها، به ویژه بخش تاریخ مغول‌ها را، نقاشان چینی حاضر در دربار سلاطین مغول رسماً خود بر عهده گرفته و به مورد اجرا در آورده‌اند.

با تمامی این احوال، نقاشی‌های نسخ جامع التواریخ گواه این واقعیت است که اتفاقی در حال رخ دادن است. دستاورد مینیاتور چینی، گوئی که خون تازه‌ای در



منافع الحيوان: ۷۰۰، ج. ۳.

جهانی به عنوان هنری ملی و در ردیف مفاخر هنر ایرانی معرفی نماید که می نماید.
روی آوردن نگارگران ایرانی به شاهنامه ارزشمند فردوسی، حکیم و سخنور نامی ایران در این زمان، در شرایط و موقعیتی انجام می پذیرد که حاکمان و فاتحان مغول، دل به میانی پرارزش فرهنگ ایرانی بسته و با شیفتگی و رغبتی تمام تمایل خود را به گسترش و بسط

رگهای نقاشی ایرانی جاری ساخته است. آدمهای نقاشی ها رفته رفته پرتحرک به نقش درآمده اند، همان جان مایه ارزشمندی که بی شک مدیون ره آورد مینیاتور چین است، تأثیرات عمده و سزاوار تحسین که می بایست سرانجام به موفقیت و تثبیت حرکت تازه ای در نگارگری ایران و به کلامی آشناتر و سزاوارتر مینیاتور ایرانی بیانجامد، و هنر مینیاتور ایران را در عرصه هنر

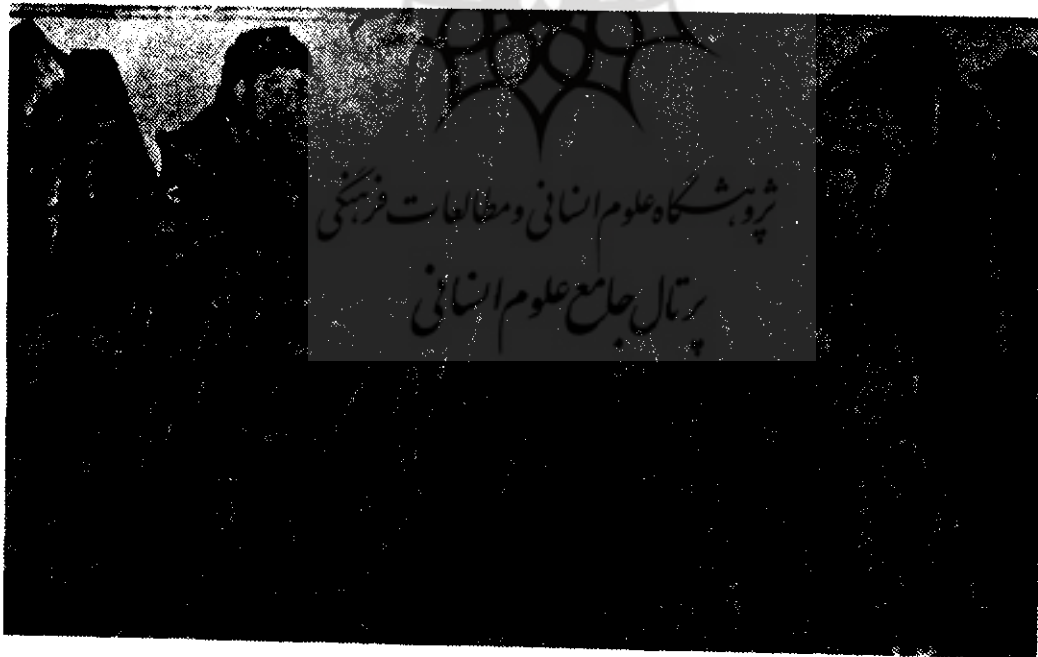
این فرهنگ آشکار ساخته‌اند. نظام حکومتی مغول گرچه در طی سالیان نخست فرمانروائی، به دلیل ناآشنائی و غربت با دستمایه‌های فرهنگ و سنت ایرانی چندان گام در راه این مودت و ارتباط ننهاد، اما گذشت زمان آرام آرام این نظام را به تسلیم و شیفتگی کشانیده است. شهر تبریز بار این تمایل و گرایش را بر عهده دارد، جوانه‌های تازه‌رس مکتب تبریز، در این زمان برگ و بار داده و به گل نشسته‌اند، گل‌هایی همیشه بهار و شاداب، نه تنها در گلستان هنر ایران که رواتر در گلستان هنر جهانی.

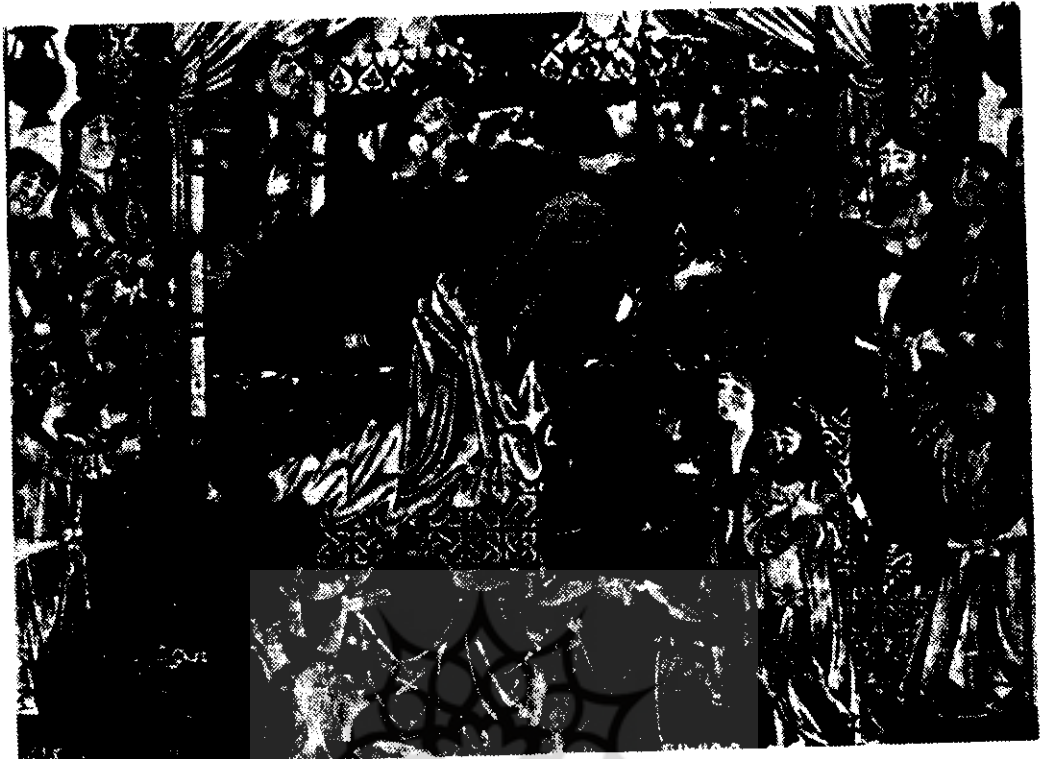
باغبان این گلستان اندیشه‌های حکیم فردوسی و شاهنامه جاودانه او است. مکتب تبریز با کتابت و نقاشی مجالس شاهنامه‌ای که بعدها، به دلیل نام دارنده آن به شاهنامه «دموت» معروف گردید، به اوج تعالی و درخشش می‌رسد. گوئی که سالها مرارت و صبوری و ایستادگی هنرمندان نگارگر ایرانی را این شاهنامه و تصاویر اعجاب برانگیز و پراعتبار آن به جبران می‌نشیند و

شگفتا که مینیاتورهای این شاهنامه، کاریک یا دوتن نقاش ایرانی نیست، کار گروهی هنرمند با تجربه و خلاق است که یکدل و هم ذوق، میبانی روبه فراموشی و نسیان سپرده فرهنگ و هنر ایرانی را زنده و جاودان می‌سازند. جانی که در یک مینیاتور حس می‌شود دخالت و حساسیت و دست بردن دویا سه نقاش را به چشم دید و به باور نشست.

در شاهنامه «دموت» عناصر مینیاتور چینی بی‌رنگ، و گاه بی‌جلوه و جلا به کار برده شده است، در مقابل آنچه شگفت برانگیز است، حضور مستقل ذوق و ابتکار نقاشان ایرانی است در هویت بخشیدن به آدمها و مناظر و مریا و جاری شدن سیل رنگهای شاد و تند ایرانی بر نقش‌ها، همان رنگهایی که آگاهانه قصد دارد بی‌رنگی و سردی چشم انداز مناظر مینیاتور چینی را به جبران بنشیند و خاطره و اعتبار آنرا از اذهان بزدايد. ویژگی اصلی شاهنامه «دموت» تنها در ارایه نقش و رنگ محدود نمی‌گردد، آنچه در واقع کار نگارگران

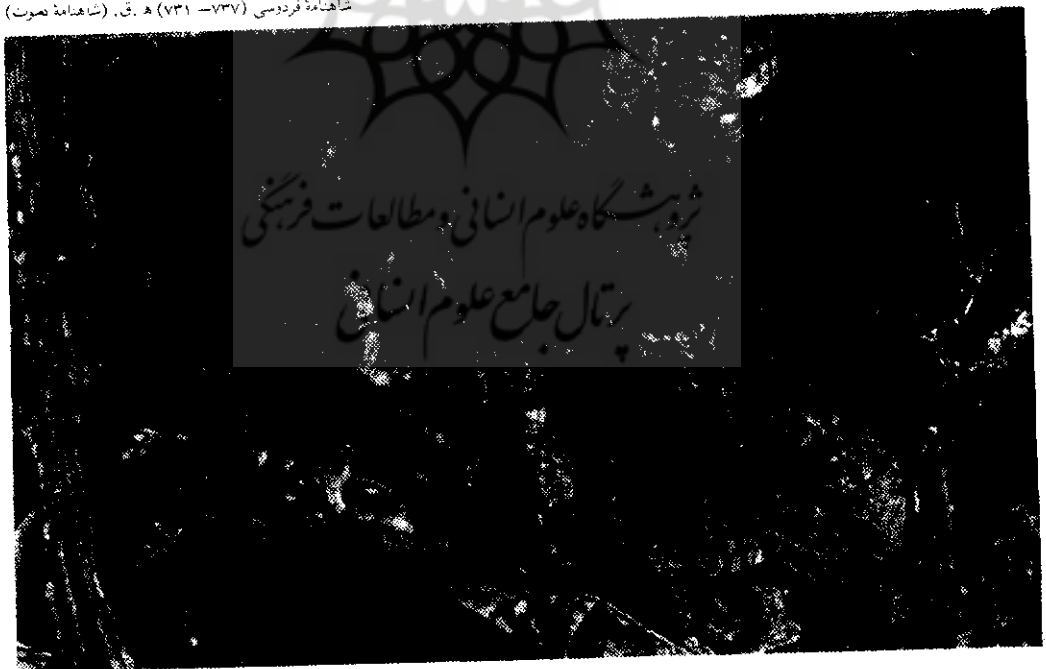
موزائیک. کلیسای سن مارکو. ونیز





شاهنامه فردوسی (۷۳۷-۷۳۱) ق. ۸ (شاهنامه صوت)

شاهنامه فردوسی (۷۳۷-۷۳۱) ق. ۸ (شاهنامه صوت)



شهرت گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رسال جامع علوم انسانی



هنرمند این شاهنامه را پرارزش می‌سازد، بهانه و دستاویز هنرمندان در رواج و رونق دوباره شاهنامه حکیم طوس است، آنهم در شرایط سلطه بی‌چون و چرای یک قوم بیگانه.

شاهنامه «دموت» در واقع بغض، سکوت و بند زنجیر اسارت و بردگی هنرمند ایرانی را می‌شکند و پاره می‌کند. چه به گواه بسیاری از صاحب‌نظران از پس خلق چنین مینیاتورهای جاودانه و پرارزش است که رد پای مینیاتور چینی نه تنها به عنوان الگوی هنری بیگانه دیده نمی‌شود، بلکه در عرصه تاریخ هنر جهانی، واقعیت تولد مینیاتور ایران به مفهوم هنری مستقل و زنده و جاودان به ثبت می‌رسد. هنری حاصل از یک تأثیر پذیری مثبت و مفید و یک برخورد آگاهانه و چه بسا کامل‌کننده.

در مکتب تبریز، سوای این شاهنامه، آثاری از مینیاتور شیوه این مکتب در دیگر کتب نظم و نثر به وجود می‌آید، چندانکه کار مصور کردن کتاب کلیه و دمنه تجربه سودمند دیگری در تحکیم مبانی مکتب تبریز است. مینیاتورهایی که گرچه اغلب به تبعیت از شیوه و نگرش شاهنامه «دموت» دنبال شده، اما با اعتبار بخشیدن بیشتر به نقش گل و گیاه و تنوع حکایات و لاجرم تجربه بیشتر نقوش می‌توان رگه‌های روشنی از ادامه ذوق و تلاش هنرمندان نقاش ایرانی را به چشم دید. استفاده از نقوش تزئینی هنر ایران، همانند نقوش هندسی کاشیکاری ایران، اعتبار بخشیدن به حضور معماری ایرانی به عنوان اصلی‌ترین جان‌مایه کار، گواه گامهای نوین است. تا آنجا که نقش‌های یاد شده، هر کدام حافظ و نگاهدارنده هنرهایی می‌شوند که در این عصر یا رو به فراموشی گذاشته‌اند و یا به دلیل رواج فرهنگ و هنر قوم غالب، بیم فراموشی آنها می‌رود.

تبریز در عهد سلطان احمد جلائیر (۸۱۳-۷۸۴)، همچنان بار سنگین تعالی مینیاتور مکتب تبریز را بر عهده دارد. سلطان احمد جلائیر با توجه به علاقه و ارادتش به هنر ایرانی، مانع از افول و رکود شیوه مینیاتور

مکتب که در اواخر عهد ایلخانان از رونق افتاده می‌گردد. سوای مینیاتورهای «عجائب المخلوقات قزوینی»، مینیاتورهای پرارزش و ماندگار مکتب تبریز را می‌بایست در دیوان خواجوی کرمانی که در این عصر کتابت و نقاشی می‌گردد جستجو کرد؛ مینیاتورهایی که سلطان جنید نقاش که مهارت و استادی بی‌همانندی در کشیدن نقش‌ها و نشانیدن رنگها از خود نشان داده است.

جنید، زاده شهر شیراز، مهد هنر و شعر بود. وی به دلیل مهاجرت به بغداد و ماندگاری در آن شهر، به جنید بغدادی معروف گردید. جنید در مینیاتورهای دیوان خواجوی کرمانی، روح عرفان هنر ایرانی را تجلی بخش مکتب تبریز می‌نماید. او با شهامت و ذوق تمام، قرن‌ها تجربه و تعالی معماری و کاشیکاری ایران را یکجا نثار مکتب تبریز می‌نماید و با رعایت نقش جزئیات تزئینی معماری ایرانی، می‌کوشد حال و هوای پرکشش و جاذبی در ارتباط بخشیدن مینیاتورهاش با سایر هنرهای سنتی ببخشد. هم او که یار میرعلی تبریزی کاتب توانای عصر خود است که با خط نستعلیق خوش و پربلاطش به سهم خویش با همان ارادت و مهارت مشابه جنید در کتابت دیوان خواجو سنگ تمام گذاشته است.

جلوه‌های مینیاتور مکتب تبریز سوای آثار یاد شده، در کتب نظم و نثر دیگری نیز آشکار گردیده که با تأسف در اعصار بعد یا از میان رفته و یا در طول زمان به وسیله مجموعه‌داران بیگانه و عوامل موزه‌های غربی از ایران بیرون برده شده‌اند. با این همه با توجه به یادگارهای شناسائی شده مینیاتور مکتب تبریز، می‌توان به راحتی میزان مؤثر و پردامنه رشد و تعالی یکباره نگارگری ایران را به یمن آشنائی با مینیاتور چین در سایه و اقبال ناگزیر حاکمان بیگانه وقت باز شناخت. همان نحوی که در سایر شهرهای ایران، در گردهم آئی دیگر هنرمندان نگارگر این ملک، با رنگ و جلای دگرگونه‌ای رخ می‌نماید و سبب‌ساز ایجاد مکاتب نوینی در تحول و تکامل مینیاتور ایرانی می‌گردد.